

تجربه دیگران

دستمال کاغذی و کرونا

● کرونا وحشتی همه‌گیر را در جهان به وجود آورده است. در این میان، نکته رفتارهای تهاجمی و حمله به فروشگاه‌ها و انبارکردن آذوقه و وسایل بهداشتی در سراسر جهان است. عکس‌هایی عجیب که از انگلیس منتشر شده است و قفسه‌های خالی را نشان می‌دهد.

در استرالیا صحنه‌های زдохورد و جاقوکشی و حتی دعوا بر سر دستمال کاغذی، در فرانسه کمبود ژل ضدعفونی به طور مستمر گزارش می‌شود، در آمریکا نیز کمبود دستمال کاغذی با صحنه غل و زنجیر زدن بر آنها شکل دیگری به خود گرفته است. در این میان ژاپن از کشورهای است که تعداد مبتلایان آن نیز در حال افزایش است، ژاپن نیز شاهد کمبود دستمال کاغذی بوده و هست. چندی پیش علی نورانی خبرنگار بخش فارسی رادیو ژاپن در مطلبی که در صفحه اجتماعی «شرق» نوشته بود، درباره روند برخورد مردم و مسئولان ژاپن با بیماری کرونا نوشت و به تفصیل درباره امکانات و شیوه عملکرد مسئول توضیح داد. اما این بار به سراغ او رفته‌ایم تا درباره دو نکته، یکی نحوه رفتار مسئولان در زمینه انتشار اخبار و دیگری درباره عملکرد مردم در روزهای اوج کرونا بپرسیم. به‌خصوص وقتی خبرهایی نظیر احتسکار و فروش بالاتر از قیمت از یک سیاست‌مدار محلی منتشر می‌شود. آن هم در حالی که دولت این کشور می‌خواهد فروش مجدد ماسک در سایت‌های حراجی و مزایده در ژاپن را ممنوع کند تا جلوی سوءاستفاده دلالان گرفته شود. اما این خبرنگار درباره تصاویر منتشره از فروشگاه‌ها و خالی‌بودن قفسه‌ها می‌نویسد: «مغازه‌ها که خالی نیستند و ما به طور روزانه از فروشگاه‌های مختلف خرید می‌کنیم و مشکلی در این زمینه وجود ندارد. اما درباره دستمال توالت چند روز پیش در فضای مجازی شایعه شد که مواد اولیه آن از چین وارد می‌شود و بنابراین به‌خاطر کرونا به‌زودی ورود آنها متوقف خواهد شد که زود مشخص شد دروغ بوده و تقریبا تمام دستمال توالت و پوشک مصرفی در ژاپن در کشور تولید می‌شود. اما با آنکه انجمن تولیدکنندگان دستمال کاغذی و دولت اطمینان داده‌اند که اصلا مواد اولیه دستمال توالت با ماسک متفاوت است، باز هم به‌خاطر نگرانی به‌وجودآمده در مردم، قفسه‌ها بعد از چیده‌شدن بلافاصله خالی می‌شوند و پیداکردن دستمال توالت و دستمال کاغذی دشوار شده است. بخشی از علت تم حریص‌شدن عده محدودی از افراد در این شرایط است. یک بسته دستمال توالت ۹ یا ۱۲ تایی حداقل یک هفته دوام می‌آورد. اما عده‌ای شروع به خریدن و انبارکردن این مواد می‌کنند و باعث دامن‌زدن به نگرانی و کمبود در انبار می‌شوند، چون محصول حیجیمی هم هست و لابد انبارکردنش برای فروشگاه‌های کوچک دردسر دارد». از او درباره تصویر متفاوت اکنون مردم در مواجهه با کرونا و سالیان پیش در مواجهه با سونامی می‌پرسیم و اینکه انکار انتظار از ژاپنی‌ها این است که در هر حالتی نظم را رعایت کنند. او که چندسال است در توکیو زندگی می‌کند، می‌گوید: «تا جایی که من می‌بینم رفتار مردم ژاپن تغییر چندانی نکرده است. من در زمان زلزله و سونامی سال ۲۰۱۱ ژاپن نبودم اما آنچه شنیدم، این بوده که آن زمان کمبود جدی در مواد غذایی باعث جیره‌بندی غذا شده بود. البته مقایسه شرایط امروز با زلزله ۹ ریشتری و سونامی عظیمی که منجر به فاجعه ذوب هسته‌ای نیروگاه اتمی فوکوشیما شد و بسیاری از بخش‌های کشور را تعطیل کرد، اصلا درست نیست. در کنار زلزله و سونامی، ترس از تشعشعات اتمی سراسر ژاپن را فرا گرفته بود و ادعای آلوده‌شدن مخزن سدها بر اثر باران و خدش بطری‌های پلاستیکی ساخت ژاپن باعث شده بود همه به دنبال بطری‌های آب آشامیدنی مخصوصا از نوع وارداتی باشند. الان کمبود جدی در هیچ کدام از مواد ضروری وجود ندارد. وقتی محصولی کمیاب می‌شود مغازه‌ها هر روز بیشتر از یک عدد/بسته به شما نمی‌فروشند. تنها مواد نایاب، ماسک و ژل‌های ضدعفونی دست هستند که بخش تولید نمی‌تواند کفاف تقاضای بسیار انبوه مردم را بدهد. یعنی اگر در هر کشوری قرار باشد مردم از روی ترس به هر محصولی هجوم بیاورند، بلافاصله انبارها خالی خواهد شد زیرا حجم تقاضا ناگهان ده‌ها و صدها و گاه هزاران برابر می‌شود. درباره واکنش مردم ماسک‌ها نیز توجع و اطلاعات ما از ژاپنی‌ها همیشه دور از واقعیت بوده. درست است که فرهنگ بسیار خاصی دارند، از کودکی در کار گروهی آموزش می‌بینند و وفاداری و تعلق به گروه، سازمان و کشوری را که عضو آن هستند از مهم‌ترین وظایف و افتخارات خود می‌دانند اما باز هم مردم ژاپن موجودات پلاستیکی نیستند. ترس و نگرانی از یک ویروس واگیردار و کمبود مواد روزمره آنها را هم مضطرب می‌کند. شاید به نسبت بسیاری از کشورها حرف‌شنوی بیشتری و دستورالعمل‌ها دارند. به نظریم یک دلیل که ویروس کرونا در ژاپن رشد کندی داشته این است که سطح بهداشت فردی و گروهی در ژاپن بسیار بالاست. البته این مسئله به تنهایی و لزوما کافی نیست، یعنی ممکن است هفته آینده ناگهان شیوع ویروس در اینجا از کره جنوبی و ایران هم جلو بزند، اما چیزی که من می‌بینم سطح بالای بهداشت و تمیزی در مردم و جامعه است».

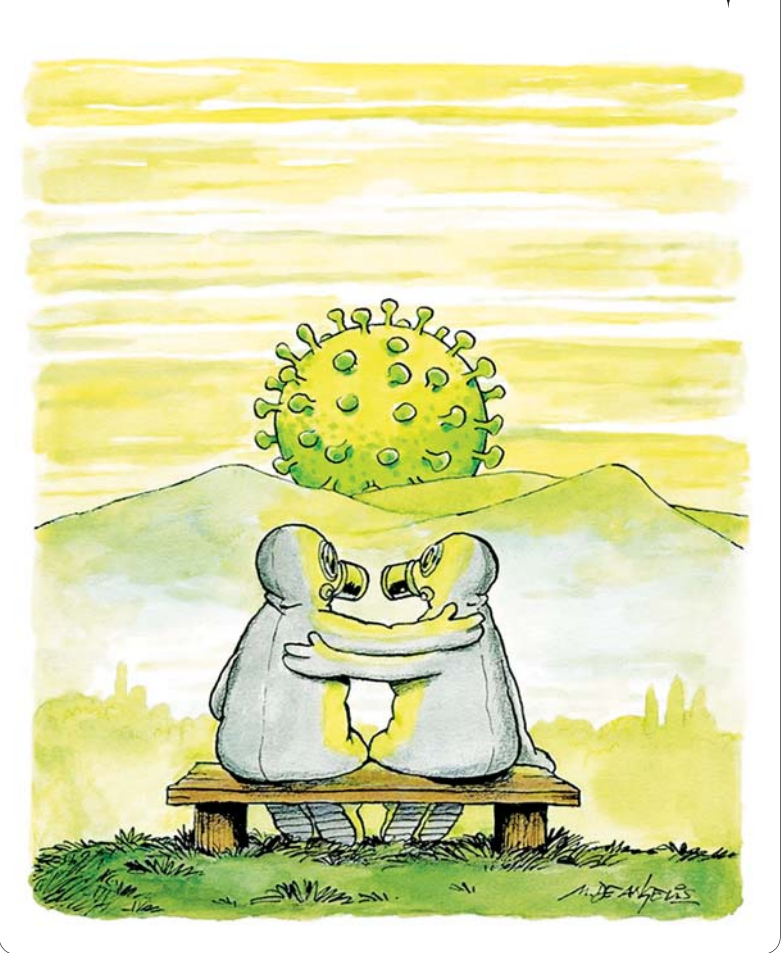
روزنامه شتر

دوشنبه ۲۶ اسفند ۱۳۹۸ • ۲۱ رجب ۱۴۴۱ • ۱۶ مارس ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۷۱ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۲ • اذان مغرب ۳:۱۸ • اذان صبح فردا ۴:۴۸ • طلوع آفتاب ۶:۱۲

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

مارکو د آنجلیس



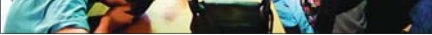
روزگار مهاجران -۲-

مهاجرت و چالش هویت

زهرا احمدی

به‌عنوان کسی که از پدر و مادری افغانستانی در شهر تهران متولد شده‌ام و هیچ‌وقت فرصت دیدار کشورم را تا به امروز نداشته‌ام، خواه‌ناخواه همیشه در هر جمعی یک قدم عقب‌تر ایستاده‌ام. در جمع هم‌وطنانم به واسطه مسلط‌نبودن به زبان دری و در جمع دوستان ایرانی‌ام به واسطه شبیه‌نبودن چهره‌ام. اما هیچ‌وقت نتوانستم خود را از هیچ‌کدام از این گروه‌ها جدا بدانم. در مورد اول شاید چهره‌ام مرا متعلق به آن گروه می‌کرد و در مورد دوم لهجه سلیس تهرانی‌ام؛ مواردی که مرا در گروه‌های مقابل از آنها جدا می‌کرد.

چیزی که می‌تواند احساس تعلق‌خاطر را در من و به طور متقابل در جامعه میزبان به وجود آورد، درک صحیح از معنای هویت است. هویت نزد بیشتر آدم‌ها شاید ختم‌شود به یک مدرک



قانونی قابل استناد و یک چهره مشخص و زبان مشخص و یک سری تعاریف مشخص دیگر. اما برای انسانی که مهاجر زاده می‌شود هویت معنای گسترده‌تری به خودش می‌گیرد. گو اینکه انسان امروز؛ چه مهاجر باشد و چه نباشد، به‌خاطر روبه‌روبودن با جهان عظیم مجازی با مشکلاتی به نام هویت روبه‌روست و اگر مهاجر باشی و صدای ضعیفی داشته باشی در میان دیگر صدها شنیده نخواهی شد. هویت را شاید من به شکل یک نیاز معنوی می‌بینم که شاید در نگاه اول در هرم مازلوی یک مهاجر جایی نداشته باشد، اما فکر می‌کنم اگر به دقت پاسخ‌گویی نشود تمام نیازهای مادی‌مان را تحت پوشش قرار می‌دهد. در تمام سال‌هایی که با معنای هویت آشنا شدم، در حال جدال با هم‌وطن خودم بودم برای اینکه چه بخواهیم یا نخواهیم متعلق به بخشی از این خاک هستیم و باید برای احقاق حقمان اول خودمان هویتمان را تعیین کنیم تا بتوانیم به زبان صریحی درباره نیازهایمان صحبت کنیم و توانمان با دوستان ایرانی‌ام در حال جدال بودم که چرا

آخرین یادداشت برای آخرین دوشنبه سال را در حالی می‌نویسم که کشور در شش ماهه اخیر بحران‌هایی متعدد را پشت‌سر گذاشت و آخرین این بحران‌ها که گویا هنوز به بالاترین حد خود نرسیده جدال بی‌رحمانه‌ای است که طبیعت یک‌بار دیگر با تمام ساکنان زمین شروع کرده است. هنوز تاریخ به پایان نرسیده و نخواهد رسید، اما می‌توان این ویروس را با معنایی اساطیری ویروس قیامت هم خواند. مصیبتی که با همه ناشناخته‌ها و نماندهایش چهره‌ای تمام‌الساطیری به خود گرفته است؛ انگار تمام این چند هزار سال بین این‌گونه حوادث لحظاتی بیش نبوده است. انسان با تمام پیشرفت‌ها و تکنولوژی و دانشش گویی زورقی است چونان ده‌ها هزار سال پیش دستخوش اقیانوس طبیعت. ویروس قیامت به نوعی ویروس روز حساب است. گویی طبیعت یک‌بار دیگر خروش برآورد تا از منکران حقیقت و ناباوران به دانش، مبتلایان به بی‌کاهلی روح و اخلاق، انتقامی سخت بگیرد؛ کاهلی‌ای که مانع پوسته‌ریزی و نوشن معیارهای اخلاقی‌مان می‌شود. روش بسیار ساده است؛ تمام آنچه نگاه ساده ما به واقعیات و احساس پوست و گوشت را در پیله‌هایی خیالی پیچیده و پیچیده‌تر می‌کند باید بریزد؛ پیله‌هایی چندین هزار ساله، هر چه قدیم‌تر، پیچیده‌تر و چسبناک‌تر و هر چه جدیدتر، ساده‌تر و لغزنا‌تر. پابندی تام به واقعیات به احساس پوست و گوشت هرگز آسان نبوده است وقتی همواره از طریقی آن را درک می‌کردیم و خود طریق نیازمند تعبیری بود

آکادمی

ویروس قیامت



بابک زمانی

نورولوژیست

و آن تعبیر خود پیل‌های هر چند ملایم‌تر و لغزنا‌تر، از مصداق‌ها می‌گذرم؛ دشوار نیست یافتن‌شان. ویروس قیامت گویی پل صراط یا به بیان امروز، دروازه‌ای امنیتی است که با دقت و بی‌رحمانه ناسره را از سره جدا و به‌شدت تنبیه می‌کند. نه به اوقیبا احترام می‌گذارد نه پاس اغنیا دارد و نه به درماندگان رحم می‌کند. دروغ را فاش می‌کند، خرافه را در دمی می‌سوزاند، تلاش را هم اگر ذره‌ای عقل‌گرایانه نباشد پاس نمی‌دارد. گام‌برداشتن با گام‌های تند او دشوار است و فرصت بی‌راهه نیست. ویروس قیامت گویا فرصتی است برای سرزدن به باغ درون، باغ بی‌برگی که سال‌هاست تیغ هرس نخورده است. سیاحت بیرون موکول شد به پیرایشی اساسی، بعد از آتشی که ویروس انداخته است! وقتی همه‌چیز سوخت و از سوخته‌ها باغی دیگر رویید. آیا تقارن ویروس با پوست‌اندازی طبیعت و آغاز بهار به معنای بر خاستنی ققنوس‌وار از خاکستر تمام انواع توهمات و خرافات همین اشباح چند هزار ساله نیست؟ یافتن این تقارن‌ها و استفاده از آنها در چرخش قلم و توضیح ایده‌ها بی‌فایده نیست اما مشکل از جایی آغاز می‌شود که زیبایی کلام چون هاله‌ای که پیش‌تر گفتم رفته‌رفته حجاب واقعیت می‌شود و رنگی آیینی به خود می‌گیرد. در مقابله با ویروس قیامت و کارهای ضروری و اجتناب‌ناپذیری که آفریده تنها منادیان دانش و حقیقت حرفی برای گفتن و راهی برای پیشنهادکردن دارند، حالا همه ساعت‌ها منتظر می‌مانند تا جدولی تهیه‌شده به دست یک ایدئیمولوژیست را ببینند، تحلیلی از یک جامعه‌شناس بخوانند یا ویدئویی از یک متخصص عفونی را به تماشا بنشینند. آیا در سال جدید در روزهای بعد از کرونا هم همین روش در تمام ابعاد زندگی اجتماعی ما ادامه خواهد یافت؟ ان‌شاءالله.

زاویه دید

چرا بخشی از مردم به تردهایشان در شهرها ادامه می‌دهند؟



مهدی ملک‌محمد

روانشناس

را جدی نگرفته‌اند. اما مانند تمامی رفتارهای انسانی این تردها و بی‌اعتنایی‌ها علت دارد و اگر بی‌توجه به این دلایل باشیم در تصمیم‌گیری‌ها خطا خواهیم کرد. یکی از مهم‌ترین دلایل، بی‌اعتمادی و شکاف عمیقی است که بین بخشی از جامعه و دولت ایجاد شده است. در آموزه‌های روان‌شناسی اجتماعی اثبات شده که متقاعدسازی نیاز جدی به مقبولیت پیام‌دهنده در ذهن پیام‌گیرنده دارد. در واقع، آنچه امروز دولت دوازدهم با آن مواجه است، فقدان مقبولیت است و طبیعی است که پیام‌های صادرشده توسط این نهاد توسط بخشی از جامعه اصلا شنیده نمی‌شود، چه برسد به آنکه به آن توجه شود. یکی دیگر از دلایل بی‌توجهی، تقاض‌هایی است که از سوی مسئولان امر دیده می‌شود. یکی از مهم‌ترین این تقاض‌ها این است که چگونه رئیس دولت به شهروندان اصرار می‌کند در خانه بمانند، در حالی که حتی یک روز هم ادارات دولتی تعطیل نمی‌شوند و جالب‌تر آنکه هر روز حدود ۴۰۰ تا ۴۰۰ هزار مدیر و معاون مدارس در سراسر کشور هم موظف به حضور در مدارس خالی از دانش‌آموز هستند؟ آیا این تعداد از افراد ملزم به تردد، خطری تهدیدشان نمی‌کند؟ خب، اگر قشر کارمند با رفت‌وآمد به ادارات با خطر کرونا مواجه نمی‌شوند، چگونه می‌توان آنها را متقاعد کرد که رفت‌وشان به فلان مغازه و فروشگاه خطرناک است؟ دلیل دیگر از منظر روان‌شناسی اجتماعی که بارها توسط عالمان این علم آرموده و اثبات شده، این است که انسان‌ها اگر با دو خطر مواجه باشند که یکی در زمان حال رخ می‌دهد و دیگری در آینده، به صورت خودکار و ناگهانه‌ها، میزان خطری را که در آینده با آن مواجه خواهند شد کم برآورد می‌کنند. مصداق چنین آموزه‌ای در وضعیت فعلی ما، بی‌توجهی کارگران روزمزد، رانندگان و کسبه به خطر ابتلا به ویروس کووید ۱۹ است. چراکه این قشر اگر درآمدی کسب نکنند در زمان حال مبتل‌شان را با خطر قطعی مواجه می‌بینند و از این گروه نمی‌توان انتظار داشت که به خطر احتمالی ابتلا به کروناویروس در صورت تردد توجهی کنند. نکته دیگر در این زمینه که بارها به آن پرداخته شده، تغییر سبک زندگی مردم است. یکی از مهم‌ترین این تغییرات حضور در خانه و پرهیز از تفریحات بیرون از خانه است. تمامی افرادی که چنین توصیه‌ای را به‌کرات بیان می‌کنند به وضعیت سکونت شهروندان بی‌توجه هستند. برای مثال، چگونه می‌توان یکباره به یک خانواده چهار یا پنج نفره توصیه کرد که در یک آپارتمان ۵۰ یا ۶۰ متری حضور داشته باشند و بیرون نایند. آیا باید تمام‌یافته‌های روان‌شناسی اجتماعی را که داخل در محیط‌های بسته، به مدت طولانی سبب آشفتنگی و کاهش سلامت روان می‌شود، نادیده گرفت؟ این در حالی است که وضعیت ارتباطی همسران مطلوب باشد که در غیر این‌صورت وضعیت به مراتب پیچیده‌تر خواهد شد. کاهش مقام عالی اجرایی کشور در بیان باید‌ها و نبایدها به این چند مورد کوچک‌ا اما بسیار مهم توجهی می‌کردند و به جای بحث با اعضاای هیئت دولت درباره بستن یا نبستن جاده‌ها به راهکارهای اختصاصی و دقیق برای رفع چنین مواععی می‌انديشيدند. بی‌پرده‌تر سخی بگویم؛ با چالش خنده و بیان اینکه همه‌چیز تحت کنترل و آرام است، نمی‌توان آرامش را بر جان شهروندانی نشانده که در یک چنین تصمیمات متناقض یا بی‌توجه به وضعیت شخصی‌شان هستند. یادمان باشد فرق بسیاری است بین جنبش خوش‌باشی در روان‌شناسی غیرعلمی که با حرف‌درمانی سعی در ایجاد آرامش و حفظ سلامت روان آدمیان دارد و روان‌شناسی علمی که بر نقش راهکارهای اجرایی برای حفظ سلامت روان انسان‌ها در زمانه بحران تاکید می‌کند.

روزهای کرونایی

گان و ماسک به جای لباس شب عید

● درحالی‌که بسیاری از کسب‌وکارها روی فروش شب عید حساب ویژه‌ای باز کرده بودند و منتظر بودند تا در این شرایط اقتصادی بخشی از درآمدهای‌شان را از بازار شب عید کسب کنند، شیوع کرونا به آنها و بسیاری دیگر شبیخون زد. هنوز پیش‌بینی درستی از میزان خسارت واردشده به این کسب‌وکارها منتشر نشده است، ولی همه به‌خوبی می‌دانیم در نتیجه فشار اقتصادی‌ای که از کرونا به بسیاری از کسب‌وکارها وارد شده، چند ماه سختی در ابتدای سال در انتظار ماست. یکی از این‌صنایعی که خودش را برای درآمدزایی گسترده در شب عید آماده کرده بود صنعت پوشاک کشور بود که با اتفاقات رخ‌داده با رکودی بزرگ مواجه شد. با این حال و در میان همه این مصائب، شنیدن برخی اخبار مایه دلگرمی است؛ ازجمله اینکه بسیاری از تولیدی‌های لباس با اینکه خودشان را برای تولد انبوه شب عید آماده کرده بودند، خیلی زود تغییر کاربری دادند و در تولیدی‌های خودشان اقدام به تولید ماسک و گان پزشکی کردند. حجم بالای تقاضا و کمبود تجهیزات محافظتی پزشکی به‌ویژه برای کادر درمان در سرتاسر کشور موجب شد تا بسیاری از این تولیدی‌ها با پیش بگذارند و در کارگاه‌های‌شان ماسک و گان پزشکی تولید کنند. این تغییر کاربری با سختی‌هایی هم همراه بود. مهم‌ترینش این بود که چرخ‌های خیاطی این تولیدی‌ها برای دوخت ماسک و گان مناسب نبود. با این حال و با چند روز تأخیر و ایجاد تغییراتی در خط تولید توانستند خطوط تولید خود را در اختیار تأمین تجهیزات پزشکی بیمارستان‌ها بگذارند. در تهران حداقل پنج برند بزرگ تولید لباس، خطوط تولید خودشان را در اختیار تأمین مایحتاج کادر درمانی بیمارستانی قرار دادند.

نکته جالب درباره تغییر کاربری‌ای این است که برخی از این تولیدی‌ها این‌کار را به‌صورت رایگان و تنها در حمایت از کادر پزشکی بیمارستانی انجام می‌دهند. یکی از برندهای معروف ایران که این روزها خط تولید خودش را در به تولید گان پزشکی و ماسک اختصاص داده در حساب اینستاگرامش نوشته است: «کادر درمانی و پزشکی نیاز مبرم به گان و ماسک دارند. مردان و زنان خیاط زیادی با غیرت و خودجوش پشت چرخ‌ها نشستند و شبانه‌روز در حال تولید این لباس‌ها هستند. هر روز کارگاه‌های بیشتری به کمک ما می‌آیند و تولید ما در حال افزایش



است. بسیاری از کسانی که این روزها پشت چرخ خیاطی‌ها در حال دوخت‌دووز هستند به‌صورت داوطلبانه آمدند تا به کادر درمانی بیمارستان‌ها که از کمبود تجهیزات رنج می‌برند، کمک کنند. پشت کادر درمانی بیمارستان‌ها مردان و زنان باغیرتی هستند که رایگان و باعشق در حال کار هستند». با این حال و درحالی‌که از تولیدی‌های زصادی اخباری مبنی‌بر راه‌اندازی خط تولید ماسک و گان پزشکی به گوش می‌رسد، اما گویا مشکلی بزرگ‌تر از تغییر خط تولید برای تولید این محصولات در میان است و آن هم تأمین مواد اولیه تولید ماسک و گان است. یکی از تولیدکنندگان بخش خصوصی که به‌تازگی خط تولیدش را به تولید ماسک اختصاص داده می‌گوید که بزرگ‌ترین مشکل در راه تولید انبوه ماسک متناسب با نیازهای این روزهای کشور کمبود مواد اولیه است.

او در این زمینه می‌گوید که برخی از تولیدی‌ها خودشان داوطلبانه پارچه تهیه کرده‌اند تا تجهیزات بیمارستان را تأمین کنند، با این حال حمایت درستی از سایر تولیدی‌ها که آمادگی تأمین نیازهای بیمارستانی و درمانی را در این روزها دارند نمی‌شود و پارچه مورد نیاز به آنها تحویل داده نمی‌شود. علاوه بر تهران، در بسیاری از شهرستان‌ها هم این روزها تولیدی‌های لباس در حال تأمین مایحتاج کادر درمانی بیمارستان‌ها هستند.

در این میان البته مواردی از کارخانه‌های کوچک‌تر هم هستند که به صورت سه شیفت مشغول کارند تا بخش‌هایی از تهیه گان و ماسک را انجام دهند و به کارخانه‌های اصلی تهیه‌کننده برسانند. در این میان هم از بی‌کاری کارگران خود جلوگیری کرده‌اند هم در صورت عدم سودجویی گامی برای هم‌وطنان خود برداشته‌اند.